

نیست گشتن یا مجازات ابدی؟ نویسنده: رابرت ای. پیترسون

نیست گشتن بدان معناست که افراد گناهکار بعد از رفتن به جهنم و پرداخت جریمه‌ی گناهانشان برای همیشه نابود می‌شوند. کسانی که از این دیدگاه طرفداری می‌کنند شش دلیل را به عنوان دلایل اصلی ارائه می‌نمایند.

اولین استدلال این افراد بر اساس استفاده‌ی کتاب مقدس از تشبیه آتش برای توصیف جهنم است. به ما چنین گفته شده که هر آن چه در آتش افکنده شود ضایع خواهد شد. برای همین دریاچه‌ی آتش وجود دارد (مکاشفه ۱۹: ۲۰؛ ۲۰: ۱۰، ۱۴، ۱۵؛ ۲۱: ۸) آتشی که گناهکاران را خواهد سوزاند تا دیگر وجود نداشته باشند.

دومین استدلال بر اساس آیاتی است که در مورد هلاکت ابدی و یا نابود شدن صحبت می‌کنند. مانند هلاکت و عذاب بی‌ایمانان (یوحنا ۳: ۱۶) مجازات و اضمحلال ابدی (دوم تسالونیکیان ۱: ۹).

سومین استدلال بر اساس مفهوم کلمه‌ی ابدی است. در آیاتی که به جهنم اشاره شده است، ابدی بودن فقط تصویری است از دورانی در آینده‌ی پیش رو و به معنی همیشگی و دائمی بودن نیست.

چهارمین استدلال بر اساس تمایز میان زمان و ابدیت است. کسانی که به نیست شدن باور دارند می‌پرسند: چطور ممکن است خداوند گناهکاران را برای ابد مورد مجازات قرار دهد در حالی که آن‌ها در طول زمانی مشخص مرتکب گناهان شده‌اند.

پنجمین استدلال بر اساس احساسات است. این که خود خداوند و مقدسین او نیز هرگز نمی‌توانند از بودن در بهشت لذت ببرند اگر بدانند بعضی از انسان‌ها (چه برسد به عزیزان و دوستانشان) برای همیشه در جهنم خواهند بود.

استدلال ششم بر این اساس است که وجود جهنم به طور دائم و ابدی پیروزی خدا بر شیطان را لکه‌دار می‌کند. کتاب مقدس به روشنی اعلام می‌کند که خداوند در نهایت پیروز خواهد بود، او کل در کل خواهد بود (اول قرتیان ۱۵: ۲۸). گویا درک عذاب دیدن انسان‌ها در جهنم آن هم برای ابد موضوعی سخت است. من به نوبت به تمام این استدلال‌ها پاسخ خواهم داد.

اولین استدلال در مورد آتش جهنم بود. خیلی از بخش‌های کتاب مقدس در مورد آتش صحبت کرده است، آن هم بدون آن که توضیحی در مورد آن داده باشد. پس این ممکن است که دیدگاه‌های مختلفی در مورد این بخش‌ها بخوانیم، از جمله نیست گشتن. با این حال ما نمی‌خواهیم کتاب مقدس را بر اساس ایده و تصور خودمان بخوانیم، بلکه مایل هستیم نظرات و ایده‌های خودمان را از کتاب مقدس حاصل کنیم. وقتی که چنین می‌کنیم، متوجه می‌شویم که بخش‌هایی از کتاب مقدس مانعی در مقابل دیدگاه، نیست گشتن و درک پیروان این دیدگاه از آتش جهنم می‌باشند. این موانع توضیحات مسیح در مورد جهنم «محل عذاب» (لوقا ۱۶: ۲۸) در مثل شخص ثروتمند و ایلعاذر را هم شامل می‌شود. همچنین در این قسمت که می‌گوید: «زیرا در این آتش معذبیم» (آیه ۲۴).

وقتی آخرین بخش کتاب مقدس در مورد شعله‌های جهنم توضیح می‌دهد، صحبت از چیزی گذرا نیست، بلکه می‌گوید: «او نیز از خمر غضب خدا که در پیاله خشم وی بی‌غش آمیخته شده است، خواهد نوشید، و در نزد فرشتگان مقدس و در حضور بره، به آتش و کبریت، معذب خواهد شد، و دود عذاب ایشان تا ابدالآباد بالا می‌رود. پس آنانی که وحش و صورت او را پرستش می‌کنند و هر که نشان اسم او را پذیرد، شبانه‌روز آرامی ندارند» (مکاشفه ۱۴: ۱۱-۱۰).

دومین استدلال در مورد بخش‌هایی است که در مورد هلاک ابدی یا نابودی صحبت می‌کند. باز هم وقتی کتاب مقدس بدون هیچ توضیحی از این کلمات استفاده می‌کند، شاید بشود آن‌ها را بر اساس نظرات بسیاری خواند. اما دوباره می‌گوییم؛ ما می‌خواهیم معنی آن چه کتاب مقدس می‌گوید را از درون آن دریافت کنیم. به همین دلیل تطبیق بعضی قسمت‌های کلام خدا با دیدگاه نیست گشتن غیر ممکن است. پولس رسول شرح عاقبت گناهکاران را هلاکت می‌داند، «که ایشان به قصاص هلاکت جاودانی خواهند رسید.» (دوم تسالونیکیان ۱: ۹). همچنین «نابودی» در کتاب مکاشفه باب ۱۷: ۱۱-۸ پیشگویی شده، (به همراه آن نبی کذب) «هر دو، زنده به دریاچه آتش افروخته شده به کبریت انداخته شدند.» (مکاشفه ۱۹: ۲۰). کتاب مقدس در گفتن عاقبت شیطان مبهم نیست، وحش و نبی کذب در دریاچه آتش انداخته خواهند شد. «و ایشان تا ابدالآباد شبانه‌روز عذاب خواهند کشید» (مکاشفه ۲۰: ۱۰). پس در این صورت عذاب وحش در دریاچه آتش جاودانه و ابدی خواهد بود.

سومین استدلال در مورد کلمه «ابدی» بود. در قسمت‌هایی که به جهنم اشاره شده، ادعا می‌شود که واژه «ابدی» صرفاً به معنای دورانی است که در پیش است و نه جاودانگی. این درست است که در عهد جدید «ابدی» به معنی دورانی طولانی است، در زمینه‌ای که زمان را

تعریف می‌کند. و در متونی که از جایگاه «ابدی» صحبت می‌کنند، «ابدی» اشاره به دورانی دارد که در پیش روست. اما این دوران پیش رو که می‌آید به اندازه‌ی حیات بی‌انتهای خود خداوند برقرار خواهد بود «که تا ابدالآباد زنده است» (مکاشفه ۴: ۱۰-۹؛ ۱۰: ۶؛ ۱۵: ۷). پس این، آن دورانی است که خواهد آمد. عیسی مسیح در پیغامش در مورد گوسفندها و بزها به سادگی و وضوح این موضوع را بیان کرد: «و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت، اما عادلان در حیات جاودانی» (متی ۲۵: ۴۶). عذاب و مجازات گناهکاران در جهنم از باب زمان و مدت دقیقاً مانند عادلان در بهشت است، هر دو جاودان و برای ابد خواهد بود.

استدلال چهارم در مورد عادل نبودن خداوند بود، ادعایی که خدا را به دلیل مجازات ابدی گناهکارانی که در زمانی محدود گناه کرده‌اند ناعادل می‌داند. این یک گستاخی از طرف انسان است که بخواهد به خدا بگوید، عدالت چیست و ناعدالتی کدام است. ما بهتر است برای تشخیص عدالت و ناعدالتی از کلام مقدس خدا که به ما داده شده است استفاده کنیم.

عیسی مسیح هیچ جای شکی باقی نگذاشته است، او خواند تا نجات بخشد، «بیا بید ای برکت یافتگان از پدر من و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید» (۲۵: ۳۴). او به گناهکاران می‌گوید: «ای ملعونان، از من دور شوید در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است» (آیه ۱۴). با هم خواندیم که یوحنا رسول این آتش را آتشی ابدی برای مجازات جاودانه‌ی شیطان در دریاچه‌ی آتش تعریف کرد (مکاشفه ۲۰: ۱۰). چند آیه بعد، می‌خوانیم که انسان گناهکار نیز سرنوشتی مشابه را در مقابل خواهد داشت (آیات ۱۵-۱۴). مشخصاً خداوند چنین در نظر دارد تا انسان‌هایی که علیه او و قدوسیت او هستند را در جهنمی ابدی مجازات نماید. آیا ما در جایگاهی هستیم که این را بی‌عدالتی بخوانیم؟

استدلال‌های پنجم و ششم را با هم بررسی خواهیم کرد. استدلال پنجم احساسی بود، این که خداوند و مقدسین او هرگز از بودن در بهشت لذت نمی‌برند، اگر بدانند که دوستان و عزیزان آن‌ها برای ابد در جهنم خواهند بود. استدلال ششم هم این بود که جهنمی جاودانی پیروزی خداوند بر شریر و شرارت را زیر سوال برده و لکه‌دار می‌کند. بسیار جالب است که جهان‌گرایان هم برای پافشاری بر این ایده که خدا در نهایت تمامی انسان‌ها را نجات می‌دهد! از همین دو استدلال استفاده می‌کنند. آن‌ها چنین استدلال می‌کنند که، خداوند و قوم او از برکات بهشت لذت نخواهند برد، حتی اگر یک نفر در جهنم باقی بماند. در نهایت همه نجات خواهند یافت. و این که خداوند از شکست خود رنج خواهد دید اگر حتی یک مخلوق که به شباهت خودش خلق کرده برای ابد هلاک شود.

من این استدلال‌های جهان‌گرایان و باورمندان به نیست گشتن در مورد احساسات و پیروزی خدا را بازنویسی داستان‌های کتاب مقدس می‌دانم، چیزی که ما هرگز اجازه‌ی انجامش را نداریم. این را می‌گوییم چون سه باب آخر کتاب مقدس سرنوشت ابدی را نشان می‌دهند. مقدسین قیام کرده برکت خواهند یافت در حضور ابدی خدا، در زمین جدید (مکاشفه ۲۱: ۴-۱). و جالب این که در مورد مبحث فعلی ما در هر سه باب نهایی کتاب مقدس سرنوشت گناهکاران را نشان می‌دهد.

«و ابلیس که ایشان را گمراه می‌کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابدالآباد شبانه‌روز عذاب خواهند کشید.» (مکاشفه ۲۰: ۱۰)

«و موت و عالم اموات به دریاچه آتش انداخته شد. این است موت ثانی، یعنی دریاچه آتش. و هر که در دفتر حیات مکتوب یافت نشد، به دریاچه آتش افکنده گردید.» (آیات ۱۵-۱۴)

«لکن ترسندگان و بی‌ایمانان و خیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت‌پرستان و جمیع دروغ‌گویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.» (۲۱: ۸)

«خوشبحال آنانی که رخت‌های خود را می‌شویند تا بر درخت حیات اقتدار یابند و به دروازه‌های شهر درآیند، زیرا که سگان و جادوگران و زانیان و قاتلان و بت‌پرستان و هر که دروغ را دوست دارد و به عمل آورد، بیرون می‌باشند.» (۲۲: ۱۴-۱۵)

کتاب مقدس چنین به اتمام نمی‌رسد که بگویید، «گناهکاران هلاک شده و دیگر وجود نخواهند داشت.» حتی نمی‌گویید: «در نهایت تمام انسان‌ها در محبت خدا جمع شده و نجات می‌یابند.» در عوض، وقتی خداوند کلامش را به انتها می‌آورد، می‌فرماید، قوم او از برکات بی‌پایانش در حضور او در زمین جدید لذت خواهند برد. اما گناهکاران به دریاچه آتش افکنده شده و متحمل عذاب ابدی خواهند شد و از شهر مقدس اورشلیم جدید که مسکن ابدی و پر از خوشی برای خداوند و قوم او می‌باشد بی‌بهره خواهند بود.

ما به هیچ وجه اجازه نداریم کتاب مقدس را بازنویسی کنیم. در عوض ما باید تعریف عدالت از بی‌عدالتی را به خداوند بسپاریم که در بودن خود، کل در کل است. او ما را نسبت به جهنم در

شک و تردید رها نمی‌کند، زیرا او گناهکاران را دوست دارد و مایل است که آن‌ها در همین زندگی به انجیل ایمان بیاورند.

چقدر مهربان و پر از رحمت است او که این دعوت را در انتهای کلامش قرار داده است: «و روح و عروس می‌گویند، بیا! و هر که می‌شنود بگوید، بیا! و هر که تشنه باشد، بیاید و هر که خواهش دارد، از آب حیات بی‌قیمت بگیرد.» (مکاشفه ۲۲: ۱۷). تمامی کسانی که به مرگ و قیام عیسی مسیح برای نجات از جهنم ایمان داشته باشند، از درخت حیات و شهر مقدس خداوند سهمی خواهند داشت. همه‌ی کسانی که چنین کنند با تمامی مقدسین می‌توانند اکنون و برای همیشه بگویند:

«هَلّویاه! نجات و جلال و اکرام و قوّت از آنِ خدای ما است.» (مکاشفه ۱۹: ۱ - ۲)

دکتر رابرت ای. پیترسون، استاد الهیات نظام‌مند در دانشگاه الهیات Covenant Theological Seminary در شهر سنت. لوییس می‌باشد. ایشان نویسنده‌ی کتاب *Hell on Trial* بوده و در نوشتن کتاب *Two Views of Hell* و ویراستاری کتاب *Hell Under Fire* همکاری داشته است.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک \(Tabletalk\)](#) منتشر شده است.